

آثار جهانی شدن بر زنان

مهدی طاهرخانی

چکیده: به نظر می‌رسد که جهانی شدن برای مردم جهان بیم و امید به ارمغان آورده است. این پدیده دو رویه دارد. از یک‌سو، تهدیدی است که کشورهای در حال توسعه با آن رو به رو هستند و، از سوی دیگر، فرصت‌هایی برای این کشورهای به وجود آورده است. سازوکارهای مورد استفاده در فرآیند جهانی شدن مشابهت دارند، ولی آثار و پیامدهای آن در جوامع مختلف - کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، شهرها و روستاها- و زنان و مردان کاملاً متفاوت است. در این بین، آثار جهانی شدن بر زنان عمق و پیچیدگی بیشتری دارد. بدین ترتیب، اگر چه جهانی شدن آثار مثبتی همچون افزایش درآمد، رشد اشتغال، توسعه سرمایه اجتماعی، افزایش بهره‌وری، افزایش حق انتخاب، افزایش سطح آگاهی‌ها، و کاهش موالید را برای زنان به همراه داشته، به همان نسبت نیز آثار منفی نظیر رشد اشتغال غیررسمی، پرداخت دستمزدهای اندک، کاهش امنیت غذایی، افزایش مهاجرت، فروپاشی ارزش‌های سنتی، عدم امنیت شغلی، و گسترش فرهنگ مصرف را به زیان زنان تشدید کرده است. ویژگی‌های کارکردی زنان ایران نشان می‌دهد که به دلیل محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه زنان و تجربیات جهانی حاصل از جهانی شدن، تهدیدهای فراروی زنان کشور بیشتر از فرصت‌های پیش روی آنان است.

واژه‌های کلیدی: تهدیدها، جهانی شدن، زنان، فرصت‌ها

مقدمه

جهانی شدن^۱، به عنوان شعار روز^۲ بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سال‌های اخیر، تعبیر متفاوتی را به خود اختصاص داده است. این عبارت برای گروهی از اندیشمندان توسعه به معنای دهکده جهانی^۳ با

1. globalization
2. buzz-word
3. global village

جاذبه‌های فراگیر و برای گروهی دیگر، عامل شیوع فقر و جنگ‌های خونین است. جهانی شدن، که یک پدیده گسترده جهانی^۱ است، آثار متفاوتی بر زندگی مردم جهان، اعم از غنی و فقیر، زن و مرد، سیاه و سفید، و شهری و روستایی، بر جای نهاده است. در حالی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه از این پدیده استقبال می‌کنند، گروهی از ایجاد یک حکومت خودکامه جهانی احساس ترس می‌کنند. اگرچه در جهانی یکپارچه، تمیزی بین زن و مرد وجود ندارد، به نظر می‌رسد زنان آثار پدیده جهانی شدن را با گستردگی و عمق بیشتری تجربه می‌کنند. زنان، به عنوان اقشار محروم و منزوی، به دلیل دسترسی نداشتن به منابع و فرصت‌های مناسب، به گونه‌ای متفاوت از جهانی شدن تأثیر پذیرفته‌اند. مقاله حاضر کوششی برای تبیین آثار و پیامدهای جهانی شدن برای جامعه زنان است.

جهانی شدن (مفاهیم، نظریه‌ها و ویژگی‌های کارکردی)

گروهی از اندیشمندان توسعه، در تطبیق زمانی مفهوم جهانی شدن، به قدمت تاریخی آن اشاره دارند و گروهی دیگر نیز ظهور رسمی آن را در فرهنگ و بستر در ۱۹۶۱ می‌دانند (کیلمیستر^۲، ۱۹۹۷: ۲۵۷). جهانی شدن از رشد مداوم نظام سرمایه‌داری منشأ گرفته است. در دهه ۱۹۸۰، با سلطه جهان‌بینی نئولیبرال بر ایالات متحده آمریکا و انگلیس، و اجرای سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر آزادسازی جریان سرمایه که در کشورهای مرکز و پیرامون با اعمال سیاست‌های ساختاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول آغاز شد و بعدها در دهه ۱۹۹۰ با اجرای سیاست‌های سازمان تجارت جهانی تداوم یافت، جهانی شدن و تبعات آن، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نمودی عینی‌تر یافت (رویانیان^۳، ۲۰۰۳: ۱-۲).

بدین ترتیب، امروز جهانی شدن شعال روز مجامع علمی و دارای تعبیر متفاوتی است. به اعتقاد پراتون^۴، جهانی شدن فرآیندی از تحول است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگ‌ها را افزایش داده است. از این منظر، جهانی شدن پدیده‌ای چندبعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی است. رشد تجارت بین‌المللی، ادغام عمیق‌تر ملت‌ها از طریق افزایش حجم و تنوع مبادله کالاها و خدمات، و گسترش فناوری از مفاهیم بنیادی جهانی شدن محسوب می‌شوند (صندوق بین‌المللی پول^۵، ۱۹۹۷: ۴۶؛ فریتهایم^۶ و همکاران، ۱۹۹۹: ۵).

1. world-wide phenomenon
2. Kilmister
3. Royanian
4. Peratton
5. IMF
6. Friedheim

گروهی از اندیشمندان علوم اجتماعی همچون گیدنز و والترز، جهانی شدن را شدت‌گیری مناسبات و روابط اجتماعی در ابعاد جهانی می‌دانند که مکان‌های دور از هم را به یکدیگر پیوند می‌زند، به طوری که هر رویداد یا اتفاقی که در بعد محلی شکل می‌گیرد از حوادث سایر مکان‌ها متأثر است و خود نیز قادر است در حوادث مکان‌های دیگر تأثیر بگذارد.

استیونز^۱ برقراری مناسبات تجاری در ابعاد جهانی را، از طریق شکل‌دهی شبکه‌ای از مشاغل مرکزی در پهنهٔ جغرافیایی جهان با هدف تقویت توسعه، مبنای تعریف خود از جهانی شدن می‌داند (آکنده^۲، ۲۰۰۳: ۶-۵). همان‌طور که از تعاریف ارائه‌شده استنباط می‌شود، می‌توان گفت که جهانی شدن از توسعهٔ اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی تأثیر پذیرفته است. بدین ترتیب، جهانی شدن به معنای توسعهٔ وابستگی متقابل^۳ و ارتباط میان ملل در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. البته این تعریف، که تأکید آن بیشتر بر یک فرآیند یا یک تغییر معین است، تعریف قطعی جهانی شدن نیست. لذا جهانی شدن در ورای خصیصه‌های اقتصادی جای گرفته و لزوماً یک پدیدهٔ اقتصادی نیست، بلکه بعد اقتصادی آن جنجال بیشتری برانگیخته است (کاتسیائونی^۴ و گرنیاک^۵، ۲۰۰۱: ۳).

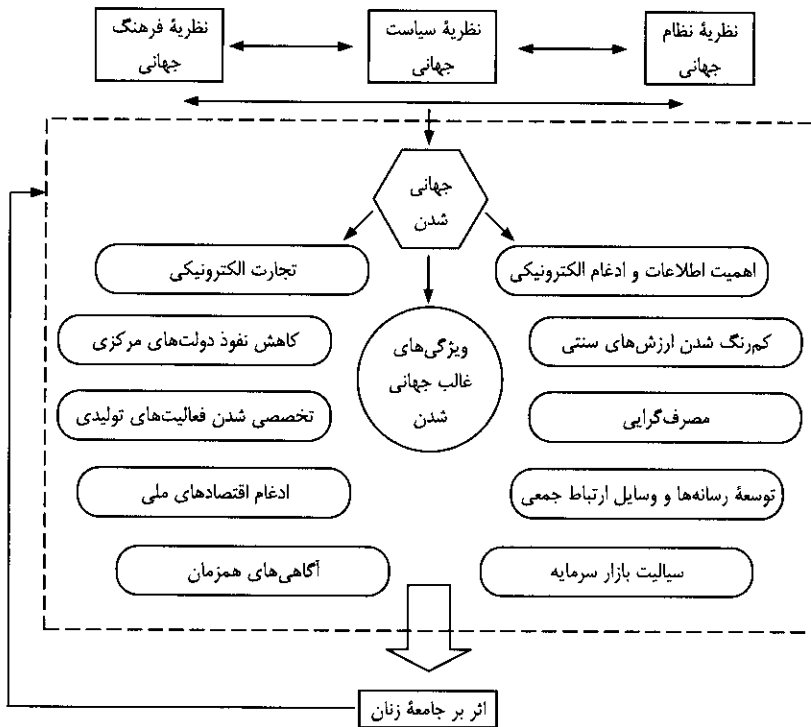
با تأکید بر جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، می‌توان مهم‌ترین بنیان‌های عمومی جهانی شدن را مطابق نمودار ۱ ترسیم کرد. در این فرآیند، ادغام اقتصادی، سیالیت بازار سرمایه، تجارت الکترونیکی، اهمیت‌یابی اطلاعات، آگاهی‌های همزمان، کاهش نفوذ دولت‌های مرکزی، تخصصی شدن فعالیت‌های تولیدی، مصرف‌گرایی، و کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی معنا می‌یابند. این بنیان‌ها، که ویژگی‌های کارکردی جهانی شدن را نشان می‌دهند، از سه نظریهٔ نظام جهانی^۶، سیاست جهانی^۷ و فرهنگ جهانی^۸ نشئت گرفته و جامعهٔ زنان را توأمان تحت تأثیر خود قرار داده‌اند (پایگاه اینترنتی جهانی شدن^۹، ۲۰۰۳ الف: ۲-۱).

نظریهٔ نظام جهانی

از دیدگاه نظریه‌پردازان این نظریه، نظام جهانی سرمایه‌داری، در شکل دادن به مناسبات اقتصادی جهان، یکپارچه عمل کرده است. بر طبق تاریخچهٔ شکل‌گیری نظام جهانی، منشأ این نظام به حدود ۱۵۰۰ میلادی بازمی‌گردد. در آن مقطع زمانی، اروپای غربی درگیر بحران بلندمدتی بود که از فئودالیسم نشئت

1. Stevens
2. Akande
3. interaction
4. Katsiaouni
5. Gorniak
6. world-system theory
7. world-polity theory
8. world-culture theory
9. The Globalization Website

می‌گرفت. آن‌گاه نوآوری‌های فنی و افزایش حضور نهادهای مبتنی بر بازار در اروپا به تولید و انگیزه تجارت در فواصل طولانی‌تر قوت بخشید و اروپایی‌ها دامنه تجارت خود را به سایر نقاط جهان گسترش دادند. توسعه قابلیت‌های نظامی و وسایل حمل و نقل، آنان را قادر ساخت تا گره‌های اقتصادی متعددی در سرتاسر جهان به وجود آورند. توسعه مناسب سرمایه‌داری موجب انباشت ثروت در مرکز (اروپا) شد. بدین ترتیب، در طول قرن شانزدهم، اروپایی‌ها به تدریج تقسیم جغرافیایی کار و تولید سرمایه‌بر را در کشورهای مرکز به وجود آوردند، در حالی که نواحی پیرامونی عمدتاً تأمین‌کننده نیروی کار ساده و مواد خام اولیه بودند.



نمودار ۱. نظریه‌های جهانی شدن، ویژگی‌های غالب و نحوه اثر آن بر زنان

عدم تعادل ناشی از مناسبات ناعادلانه میان مرکز و پیرامون، به توسعه نامتعادل در سطوح جهانی انجامید. این مناسبات در قرون بعد نیز همچنان بر پایه بهره‌برداری از منافع و کسب سود بیشتر ادامه یافت. در قرن بیستم، نظام جهانی برای توسعه بازار با محدودیت‌های جدی مواجه شد. اما حضور مقتدرانه

امریکا از دوره بعد از جنگ جهانی دوم سبب شد تا شیوه‌های مناسب‌تری برای توسعه بازارهای جهانی به کار گرفته شود. پایان یافتن دوره جنگ سرد و تقویت مناسبات اقتصادی و سیاسی دولت‌های مقتدر جهانی سبب شد تا برای بهره‌گیری بهینه از مزیت‌های بازار در سطوح بین‌المللی، به یکپارچگی اقتصاد جهانی بیش از گذشته توجه شود.

از این منظر، نظام جهانی یک نظام تاریخی و اجتماعی از وابستگی متقابل اقتصاد ملت‌هاست که به صورت ساختاری همبسته مطابق با قواعد مشخص عمل می‌کند. این نظام حاصل تحول نظام‌های خرد، امپراتوری‌های جهانی و، در نهایت، اقتصاد جهانی است. نظام جهانی بزرگ‌تر از هر واحد سیاسی است که تاکنون تعریف شده و پیونددهنده بخش‌های آن نیز اقتصاد است. اقتصاد جهانی مبتنی است بر انباشت سرمایه از طریق بهره‌برداری از مزیت‌های بازار، و کسب سود بیشتر از طریق تولید و فروش نیز نیروی انسانی آن محسوب می‌شود. در نظریه نظام جهانی، تجمع و انباشت سرمایه از طریق کالایی شدن مورد توجه است. در این نظریه، تمام افراد و اشیاء کالاهایی برای فروش محسوب می‌شوند. لذا اقتدار مختلف از آن متأثر می‌شوند. زنان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و در فرآیند جهانی شدن اقتصاد، در معرض آثار مثبت و منفی آن قرار می‌گیرند.

نظریه سیاست جهانی

تحولات اواسط قرن نوزدهم، که به شکل‌گیری قواعد جدید نهاد فرهنگی در سطوح جهانی انجامید و با مفهوم عقلایی شدن فرآیند امور، به الگوهای یکپارچه‌ای همچون نهادها و سازمان‌ها قوام بخشید، موجب شد مفاهیم جدیدی با کارکردهای جدید، مانند ملت/ دولت، حق مشروعیت، حقوق زنان و نظایر آن به وجود آید. عملکرد نهادها و سازمان‌ها در ابعاد جهانی سبب شد تا چارچوب مشترکی برای مباحث جهانی شکل گیرد. اگرچه فرهنگ جهان عمیقاً در سنت اروپایی ریشه دارد و علم و فلسفه با عصر روشنفکری عمومی از سال ۱۶۴۸ میلادی آغاز می‌شود، با این حال، دوره معاصر چشم‌انداز تازه‌ای بر عصر روشنفکری عمومی گشوده است.

برگزاری نشست‌های بین‌المللی و شکل‌گیری جنبش‌های حامی جریانات فکری جهانی سبب شد تا مناسبات سیاسی جدیدی در جهان شکل گیرد. بعد از جنگ جهانی دوم، چنین ساختاری کاملاً فراگیر شد، به طوری که بسیاری از دولت‌ها و افراد، همگام به این فرآیند، اقدام به تأسیس نهادهایی با اهداف مشترک کردند. به این ترتیب، سازمان‌های جدید متأثر از جریانات فکری معاصر شکل گرفتند. گروه‌های فمینیستی، جنبش‌های زیست‌محیطی و سایر تشکل‌های غیردولتی به حضور مقتدرانه یک سیاست واحد جهانی کمک کردند. در نظریه سیاست جهانی، مباحثی همچون آزادی، عدالت، برابری، و حقوق زنان فراگیر شد تا جامعه جهانی به جامعه‌ای همگن تبدیل شود. چنین جامعه‌ای دارای مجموعه‌ای از قواعد و چارچوب‌های مورد توافق در ابعاد جهانی است تا حرکتهای پراکنده را به سوی جنبش‌های متحد و

یکپارچه رهنمون سازد. در این معنا، به نظر می‌رسد هویت ملی، ساختارها، و رفتار زنان با سیاست‌های جهانی منطبق می‌شوند.

نظریه فرهنگ جهانی

در این نظریه، جهان به سوی یکپارچگی فرهنگی حرکت می‌کند تا در فکر و در عمل، تنها یک مکان واحد در جهان شکل گیرد، جامعه‌ای واحد که جستجوی ابزارهایی که به زندگی در این مکان معنا دهد و چگونگی برقراری نظم را آموزش دهد. نظریه فرهنگ جهانی، در حقیقت، عنوانی برای تفسیری خاص از جهانی شدن است که در آن، جستجوی شیوه مناسب برای یک زندگی واحد جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد. فرهنگ جهانی تبلور چهار مؤلفه اساسی برای انسان در ابعاد جهانی است:

- جوامع (ملت/ دولت)
- نظام حاکم بر جوامع
- افراد
- نوع بشر (انسان)

چهار مؤلفه فوق تبیین‌کننده فرآیندی هستند که، به طور نسبی، اجتماعی شدن، بین‌المللی شدن، فردگرایی و آگاهی‌های عمومی نوع بشر را مورد توجه قرار می‌دهد. در این نظریه، جهان به سوی یکپارچگی عمومی حرکت می‌کند. با این حال، در چنین جهان یکپارچه‌ای، تضادهای فرهنگی و به‌ویژه سنت‌های مذهبی موانع عمده تحقق فرهنگ جهانی‌اند.

در نظریه فرهنگ جهانی، با حذف مرزهای محلی و منطقه‌ای و ملی، زنان جزئی از فرهنگ جهانی با ارزش‌ها و نگرش‌های یکپارچه محسوب می‌شوند. با تأکید بر سه نظریه موجود، به اعتقاد مالکوم واترز^۱، جهانی شدن در سه حوزه زندگی اجتماعی زنان تأثیرگذار است:

- حوزه اقتصاد
- حوزه سیاست
- حوزه فرهنگ

از دیدگاه او، حوزه اقتصادی به سوی آزادسازی^۲، حوزه سیاسی به سوی ایجاد دموکراسی^۳، و حوزه فرهنگی به سوی همگانی‌شدن^۴ فرهنگ حرکت کرده‌اند (واترز، ۱۹۹۶: ۱۵۹).

-
1. Malcolm Waters
 2. liberalization
 3. democratization
 4. universalization

جهانی شدن و زنان (فرصت‌ها و تهدیدها)

اصطلاح جهانی شدن در شرایط متفاوتی کاربرد می‌یابد. بنابراین، گاه منبع الهام و گاه منشأ چالش‌های فراوان در سطح جوامع انسانی است. جهانی شدن، در مفهوم مثبت خود، فرآیندی است که موجب افزایش یکپارگی اقتصاد جهان می‌شود و، در مفهوم تجویزی خود، به معنای راهبرد توسعه بر پایه یکپارچگی سریع با اقتصاد جهانی است. لذا گروهی آن را عامل شکوفایی و گروهی دیگر فاجعه می‌دانند (نایار^۱، ۲۰۰: ۱-۲).

جهانی شدن ممکن است عوارض نامطلوب پایداری همچون تخریب محیط زیست، کاهش امنیت ملی، افزایش جرم و جنایت، و رشد فعالیت‌های غیررسمی داشته باشد (بلوم^۲، ۲۰۰۲: ۳۵). جهانی شدن موجب افزایش سلطه بازیگران خارجی^۳ در تمامی شئون، به‌ویژه بعد اقتصادی، از طریق نفوذ بانک‌های خارجی می‌شود. در این فرآیند، کلیه امور کشورهای در حال توسعه با فناوری‌های جدید و به وسیله شرکت‌های بزرگ چندملیتی اداره می‌شود، شرکت‌هایی که با هدف تأمین منافع خود و نه رفاه مردم شکل گرفته‌اند (تاندون^۴، ۱۹۹۹: ۸).

همچنین گروهی از اندیشمندان پیرو مکتب وابستگی معتقدند که جهانی شدن اصطلاحی است که در واژگان توسعه کاربرد نادرستی یافته و از همه بدتر آنکه اغلب همچون یک پدیده^۵ توصیف شده؛ یعنی همانند بلایای طبیعی که اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود، جهانی شدن نیز امری گریزناپذیر تلقی شده است. در حالی که جهانی شدن اصطلاحی انسان‌ساخت^۶ است که ریشه در دوره تاریخی دارد، یعنی زمانی که سرمایه‌داری شکل گرفت و دنیای ما به کشورهای امپریالیستی و مستعمرات آنها تقسیم شد. امروز مناسبات و روابط مشابهی از بهره‌برداری و تسلط در اشکال جدید رایج شده است. جهانی شدن دقیقاً به همان اشکال اولیه، اما با بسته‌بندی جدید^۷ به دست مصرف‌کنندگان آن رسیده است و ویژگی بارز آن همچنان حاکمیت روابط ظالمانه^۸ است. به رغم ظهور واژه‌های جدید، دنیای کنونی ما در حال تجربه دوره جدیدی از استیلا و سلطه همانند دوره استعمار است. شکاف روزافزون میان فقرا و ثروتمندان، حاکمیت شرکت‌های بزرگ چندملیتی، و وجود بانک‌ها و بازارهای اوراق بهاداری که کارکرد آنها با اصل حداکثر سود منطبق است به ناپایداری توسعه در بعد بین‌المللی منجر شده است. بدین ترتیب، جهانی شدن

1. Nayyar
2. Bloom
3. outside players
4. Tandon
5. phenomenon
6. man-made
7. new packaging
8. iniquitous relations

مترادف با راهبرد آزادسازی ثروتمندان برای تداوم سلطه و بهره‌برداری از فقر است، اصطلاحی که باید به جهانی شدن امپریالیست^۱ تغییر نام دهد (ماریانو^۲، ۲۰۰۱: ۳-۲).

آنتویلر^۳، ضمن تبیین تهدیدهای ناشی از جهانی شدن، معتقد است این فرآیند با کاهش سطح دستمزدها، افزایش نرخ بیکاری، و پرداخت دستمزدهای کمتر در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته همراه است (۲۰۰۳: ۲).

جهانی شدن، در عین ایجاد بعضی تهدیدها، فرصتهایی نیز در سطوح بین‌المللی به وجود آورده است، در شرایط کنونی، رشد همبسته مناسبات اقتصاد جهانی، به‌ویژه افزایش وسیع جابه‌جایی سرمایه و رشد نسبتاً سریع تجارت جهانی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اقتصادی در بعد جهانی است. تولید انبوه در ابعاد بین‌المللی، که حاصل گسترش سریع شرکت‌های چندملیتی است، به کاهش هزینه‌های اطلاعاتی و ارتباطی و انقلاب در فناوری اطلاعات منجر شده است. در سطح نظریه‌های اقتصادی، این مسئله به عنوان پیش‌فرض مطرح است که آزادسازی تجارت به نفع فقرا کشورهای در حال توسعه خواهد بود. تا زمانی که کشورهای در حال توسعه با افزایش نیروی کار غیرماهر رو به رو هستند و به‌طور نسبی از سایر عوامل تولید به فزونی برخوردارند، تجارت آزادتر، با افزایش تقاضای جهانی برای صادرات کشورهای در حال توسعه و در نتیجه تولید بیشتر، با توجه به افزایش نیروی کار غیرماهر، امکان ایجاد اشتغال، افزایش سطح دستمزدها و در نهایت کاهش فقر را فراهم می‌آورد (کیلیک^۴، ۲۰۰۰: ۲).

شونگوی^۵، در تبیین فرصت‌های فراروی کشورهای در حال توسعه، معتقد است که صنعت ساخت در این کشورها منافع زیادی از جهانی شدن به دست می‌آورد. این کشورها به دلیل ماهیت خود عمدتاً هزینه‌های تولید کمتری برای ساخت کالاهای صنعتی می‌پردازند. لذا قادرند کالاهای ارزان قیمت‌تری تولید و آنها را برای فروش به سایر کشورها صادرکنند. چنین فرصتی قطعاً زمینه کاهش فقر و بیکاری را فراهم می‌آورد (۲۰۰۰: ۲).

بسیاری از مدافعان جهانی شدن معتقدند که دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه می‌توانند از جهانی شدن همچون اهرمی قوی برای نوسازی جامعه و کاهش فقر، از طریق دسترسی به کالاهای عمومی جهانی^۶، تجارت و فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهره‌برداری کنند (گاجن^۷، ۲۰۰۱: ۵). جهانی شدن دسترسی آسان به تولیدات و خدمات در سطوح جهانی را ممکن می‌سازد. همچنین

-
1. imperialist globalization
 2. Mariano
 3. Antweiler
 4. Killick
 5. Shongwe
 6. Global Public Goods (GPG)
 7. Gudgen

آثار جهانی شدن بر زنان ۱۰۱

بسیاری از کالاها و خدماتی که با قیمت بالا تولید می‌شوند، با قیمت ارزان در اختیار مصرف‌کنندگان آنها قرار می‌گیرند. انسان‌ها می‌توانند از طریق مظاهر جهانی شدن، نظیر اینترنت، درباره شیوه زندگی ملل اطلاعات سودمندی کسب کنند. همچنین می‌توانند در سرمای شدید زمستان، گل‌های زیبا و تازه در اختیار داشته باشند.

جهانی شدن، با محو مرزهای جغرافیایی و سیاسی جهان، فرهنگ جهانی، شهروندی جهانی و اقتصاد جهانی را ترویج می‌کند (پایگاه اینترنتی جهانی شدن، ۲۰۰۳: ۲-۱).

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که جهانی شدن برای مردم جهان بیم و امید به ارمغان آورده یا، به تعبیر مرشد^۱، برندگان و بازندگان^۲ به وجود آورده است (۲۰۰۲: ۲).

جهانی شدن دو رویه دارد. رویه سیاه^۳ آن تهدیدی است که کشورهای در حال توسعه با آن رو به رو هستند و رویه سفید^۴ آن فرصت‌هایی است که جهانی شدن برای این کشورها به وجود می‌آورد (شونگوی، ۲۰۰۲: ۲).

در نهایت، چون آینده ادغام در اقتصاد جهانی گاه غیرقابل پیش‌بینی است و پی بردن به اینکه چه کسانی از آن سود می‌برند نسبتاً دشوار است، صدای بازندگان جهانی شدن بلندتر از برندگان آن است. به گفته مول^۵، جهانی شدن بی‌خطر نیست، اما منافع آن در زمینه انتقال فناوری، تماس‌های اجتماعی، جابه‌جایی اطلاعات، و دسترسی به بازارهای جهانی به مراتب بیشتر از ضررهای آن است.

با وجود مشابهت سازوکارهای مورد استفاده در فرآیند جهانی شدن، آثار و پیامدهای آن برای جوامع مختلف همچون کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، شهرها و روستاها و زنان و مردان کاملاً متفاوت است. در این بین، آثار جهانی شدن بر زنان عمق و پیچیدگی بیشتری دارد (روبیانین، ۲۰۰۳: ۲-۱).

جهانی شدن، زنان و فرصت‌ها

آثار جهانی شدن بر زنان پیچیده و اغلب متناقض^۵ است. گروهی از اقتصاددانان، با تأکید بر ابعاد مثبت جهانی شدن، معتقدند که زنان عمدتاً منافع قابل توجهی از اصلاحات اقتصادی به دست آورده‌اند. از دیدگاه آنان، اگرچه جهانی شدن روند قطبی شدن را تشدید کرده، اما به طور فزاینده‌ای موجب افزایش درآمد زنان نیز شده است. یکی از مهم‌ترین فرصت‌های حاصل از جهانی شدن برای زنان افزایش نرخ اشتغال است. از دهه ۱۹۵۰ تا پایان دهه ۱۹۹۰، نسبت زنان شاغل ۲۰ تا ۵۹ ساله از حدود یک سوم به یک دوم افزایش یافته است. در بسیاری از موارد، نرخ مشارکت نیروی کار زنان همگام با مردان افزایش

1. Murshed
2. dark side
3. white side
4. Mool
5. contradictory

یافته است. برطبق آمار، نیروی کار جهانی زنان از ۳۶ درصد در ۱۹۶۰ به بیش از ۴۰ درصد در ۱۹۹۷ رسیده است.

جهانی شدن، با تسریع روند صنعتی شدن، موجب جذب بیشتر نیروی کار زنان به صنعت در کشورهای در حال توسعه شده است (رضوی^۱، ۲۰۰۱: ۲۳). همچنین موجب بروز پاره‌ای تغییرات در بازار کار و افزایش تقاضا برای نیروی کار زنان، و افزایش آموزش و بهره‌وری و نیز کاهش موالید شده است (اورلف^۲، ۲۰۰۲: ۱-۲).

صبحی^۳ در زمینه آثار جهانی شدن بر زنان به دو مسیر متفاوت اشاره می‌کند و معتقد است که مسیر اول بیشترین فشار و مسئولیت را برای زنان به وجود آورده، در حالی که دومین مسیر امتیازات مثبت بسیاری برای زنان به همراه دارد. در این مسیر، انتظار می‌رود که برای زنان کشورهای غربی، که تجربه و توانایی بیشتری دارند، فرصت‌های بیشتری برای رقابت در بازار کار وجود داشته باشد. همچنین جهانی شدن، از طریق گسترش وسایل ارتباط جمعی و توسعه ارتباطات، موجب افزایش سطح آگاهی زنان می‌شود تا آنان فرصت مناسب برای اثبات خود و نیز حق انتخاب بیشتری داشته باشند.

استفاده از اینترنت به عنوان یکی از مظاهر جهانی شدن فرصت‌هایی برای زنان در تجارت الکترونیکی ایجاد کرده است. برای مثال در هندوستان، از طریق بازاریابی با استفاده از عکس‌های دیجیتال تولیدات، بیش از ۶۰۰ زن روستایی توانسته‌اند تولیدات خود را به بازار عرضه کنند. چنین فرایندی به عرضه مستقیم تولیدات با حذف واسطه‌ها و دلالت‌ها می‌انجامد و زنان منافع بیشتری از فروش تولیدات خود به دست می‌آورند.

همچنین بسیاری از تجربیات جهانی نشان می‌دهد که افزایش صادرات کالاهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه با افزایش تقاضا برای اشتغال زنان همراه بوده است، زیرا صنعتی شدن در شرایط بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه عمدتاً به نیروی کار زنان وابسته است. برای مثال، تعداد کارخانجات نساجی در بنگلادش از ۴ کارخانه در ۱۹۷۸ به ۲۴۰۰ کارخانه در ۱۹۹۵ با ۱/۲ میلیون کارگر رسیده که ۹۰ درصد آنان را زنان زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهند.

اشتغال زنان موجب افزایش درآمد آنان و، در نتیجه، افزایش دسترسی زنان به سرمایه‌های اجتماعی همچون آموزش و بهداشت و درمان و بهبود شاخص توسعه انسانی شده است. به علاوه، اثر عامل اشتغال زنان در افزایش انتخاب‌های اجتماعی آنان نمود یافته است. زنان جوان درآمد مستقلی دارند و از این طریق قدرت انتخاب خویش را افزایش می‌دهند. آنان قادرند همسر مورد علاقه خود را انتخاب کنند یا با تمایل خودشان مجرد باقی بمانند. همچنین شواهد تجربی نشان می‌دهد که با اشتغال زنان،

1. Razavi
2. Orloff
3. Sobhy

آثار جهانی شدن بر زنان ۱۰۳

کشمکش‌های داخلی و محلی کاهش و ظرفیت اخلاقی زنان نیز به علت کاهش فشارهای اقتصادی بر خانواده ارتقا می‌یابد.

در بخش خدمات نیز حضور زنان در فعالیتهای رسمی و غیررسمی، مانند پست، گردشگری، خطوط هوایی و راه‌آهن افزایش یافته است. همچنین در خدماتی که نیاز به تخصص و مهارت بالایی دارند، مانند خدمات برنامه‌ریزی و مالی، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، حضور زنان به دلیل گسترش تجارت آنان بسیار برجسته است (صبحی، ۲۰۰۳: ۱۵-۲).

جهانی شدن، زنان و تهدیدها

بکستر^۱ و مان^۲، با طرح بحث نادیده‌نگاشتن زنان^۳ در فرآیند جهانی شدن، معتقدند که بخش بزرگی از نیروی کار زنان به عنوان نیروی غیررسمی در فرآیند تولید به فراموشی سپرده می‌شود. همچنین تضعیف تعادل جنسیتی^۴، با اختصاص بیشترین حجم حمایت‌های بهداشتی و آموزشی و خدمات ترویجی به مردان در مقایسه با زنان، در فرآیند جهانی شدن شدت می‌یابد. در بنگلادش، نیروی کار زنان ارزان‌تر از مردان است، لذا بنگاه‌ها و شرکت‌های خارجی زنان را، به دلیل دستمزد اندک، بهره‌وری بالاتر و اطاعت بی‌چون و چرا، بیشتر استخدام کرده‌اند. در بحران آسیایی اواخر دهه ۱۹۹۰، زنان اولین کسانی بودند که مشاغل خود را از دست دادند. تداوم فرآیند خصوصی‌سازی و کاهش نقش دولت با افت قابل توجه ارائه خدمات اجتماعی به زنان همراه بوده است. لذا در این فرآیند، زنان آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند (سامتر^۵، ۲۰۰۰: ۷).

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که زنان گرفتار مناسبات ناعادلانه تجارت آزاد، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه‌اند. وقتی جامعه‌ای دچار بی‌ثباتی باشد، زنان باید اولین کسانی باشند که به شرایط زندگی خود سر و سامان بخشند، زیرا جهانی شدن در عین حال که موجب کاهش کیفیت زندگی زنان می‌شود، با پرداخت دستمزدهای اندک، اشتغال در بخش‌های کاربر را که خواستار حرکت‌های چابک، انعطاف‌پذیر و توانمند برای انجام کارهای سخت هستند تشدید می‌کند.

در شرایط تجارت آزاد، حتی فعالیتهای صنعتی نیز ثبات کمتری دارند. برای مثال، در کانادا ۳۰۰۰۰ شغل در صنعت نساجی بر اثر توافقنامه‌های تجاری از بین رفته که اکثریت شاغلان آنها را زنان تشکیل می‌دهند.

جهانی شدن آثار نامطلوبی نیز بر تغذیه زنان و تولید مواد غذایی داشته است. آزادسازی تجارت و

1. Baxter
2. Mann
3. invisibility of women
4. undermining gender equality
5. Summer

پراکنندگی جهانی اقتصادی بازار، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را مجبور کرده تا تولید مواد غذایی برای خود را به دلیل تمایل به رشد صادرات مواد غذایی متوقف سازند. تداوم چنین فرآیندی منجر به بروز عدم امنیت غذایی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شده است. برای مثال، هزاران زن بومی در گواتمالا و دیگر کشورهای آمریکای مرکزی مالکیت زمین خود و، متعاقباً، قابلیت تولید و تأمین مواد غذایی برای خانواده را از دست داده و چاره‌ای جز مهاجرت نداشته‌اند.

در حال حاضر، میلیون‌ها نفر از زنان کشورهای فقیر در سرتاسر دنیا محل زندگی خویش را برای جستجوی کار در سایر کشورها ترک می‌کنند. بسیاری از زنان فیلیپینی به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند تا برای ثروتمندان سایر کشورها پیشخدمتی کنند. اسفناک‌تر اینکه بسیاری از زنان اروپای شرقی، بعد از اصلاحات اقتصادی، قسمتی از تجارت جهانی سکس^۱ شده‌اند (پایگاه اینترنتی جهانی شدن، ۲۰۰۳ ب: ۳-۲). این پدیده در کشورهای روسیه، اندونزی، فیلیپین، تایلند، ونزوئلا و آمریکا منجر به توسعه صنعت قاچاق سکس به عنوان صنعت بدون مرز شده است (ریموند^۲، ۲۰۰۲: ۲). جهانی شدن، به عنوان یک تهدید، می‌تواند در سه بعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر زنان تأثیرگذار باشد. در بعد اقتصادی از طریق ایجاد تبعیض به نفع کارگران مرد، و در حاشیه قراردادن زنان از طریق پرداخت دستمزدهای اندک و به کار گماردن آنان در بخش‌های غیررسمی؛ در بعد سیاسی از طریق محدود کردن زنان به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی؛ و در بعد فرهنگی از طریق از دست دادن هویت و استقلال فرهنگی با استیلای فرهنگی جهانی (پایگاه اینترنتی جهانی شدن، ۲۰۰۳ ج: ۲-۱).

در بعد اقتصادی، طبق نتایج مطالعات اخیر، در طول بحران شرق آسیا از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹، میزان بیکاری زنان در تمامی سنین و در سطوح مختلف تحصیلی افزایش یافته، اما اشتغال زنان در بخش غیررسمی از افزایش قابل توجهی برخوردار بوده است. برای مثال، در فیلیپین، زنان شاغل در بخش غیررسمی بیش از ۵۰ درصد کل شاغلان را تشکیل می‌دهند. تعداد زنان کارگر شاغل در خانه، که به دو شکل خودکفا و قرارداری، به‌ویژه با صنعتی نساجی، به شکل غیررسمی فعالیت می‌کنند، براساس آمارهای دولتی ۶/۴۴ میلیون نفر است. این زنان در حدود ۳۷ درصد یا ۵ میلیون نفر از کل زنان شاغل در بخش اقتصاد غیررسمی فیلیپین را شامل می‌شوند. در این کشور، بخش غیررسمی در بحران‌ها حکم ضربه‌گیر را داشته، به طوری که کارمندان یا کارگران رسمی بیکار را جذب کرده است. افزایش اشتغال زنان در بخش غیررسمی به دلیل اطمینان به بقای خانواده در طول بحران‌های اقتصادی است. زمانی که مردان از کار اخراج می‌شوند، زنان کار و فعالیت را به عهده می‌گیرند. اما زمانی که مسئولیت زنان افزایش می‌یابد، با مشکلات فراوانی در خانه و محل کار روبه‌رو می‌شوند، از جمله:

1. global sex trade
2. Raymond

آثار جهانی شدن بر زنان ۱۰۵

- تحمل فشار مسئولیت‌ها در زمانی که باید هم کار روزمره تولیدی و هم وظایف زن خانواده را به انجام برسانند؛
- دستمزدهای زیر حداقل، کار طولانی‌تر و پرزحمت در شرایط کاری سخت و نامناسب؛
- فقدان حمایت‌های اجتماعی به دلیل نبود مناسبات کارگر/ کارفرما و دسترسی نداشتن به مزایایی همچون حمایت دوران بارداری؛
- عدم امنیت شغلی؛
- فقدان سرمایه؛
- دسترسی محدود به بازارهای سودآور؛
- نداشتن تخصص و مهارت‌های لازم.

مطالعه‌ای که رزالدیندا^۱ و همکارانش در ۱۹۹۸ در زمینه جهانی شدن در صنعت نساجی و آثار آن بر اشتغال زنان در کشور فیلیپین انجام دادند نشان داد که در دوره آزادسازی تجارت، در نتیجه افت شدید تولید، اغلب زنان کارگر این بخش شغل خود را از دست داده‌اند. با از میان رفتن توان رقابت این صنعت در بازارهای جهانی، ۶ میلیون نفر از زنان کارگر که با شرکت‌های نساجی قرارداد داشتند و در خانه به شکل غیررسمی فعالیت می‌کردند با بحران روبه‌رو شدند. با کاهش سفارشات به علت تشدید رقابت‌های بین‌المللی و استفاده از فناوری‌های رایانه‌ای، بسیاری از زنان کارگر امنیت شغلی خود را از دست دادند (رزالدیندا، ۲۰۰۱: ۴).

نتایج تحقیقات انجام‌شده در کشورهای افریقایی، آسیایی و امریکای لاتین حاکی از آن است که جهانی شدن موجب تضعیف نقش زنان در تعلیم و تربیت کودکان و، در بلندمدت، موجب فروپاشی نظام خانواده شده است. همچنین جهانی شدن توانسته، از طریق وسایل ارتباط جمعی به‌ویژه تلویزیون و آگهی‌های تبلیغاتی، موجب گسترش فرهنگ مصرف و تضعیف ارزش‌های سنتی در نزد زنان شود (صبحی، ۲۰۰۳: ۲).

افزایش تعداد مهاجران زن در آسیا در سال‌های اخیر، متأثر از نیروهای جهانی و شرکت‌های چندملیتی به دلیل ارزان‌تر بودن نیروی کار زنان، که در قالب مهاجرت‌های رسمی و غیررسمی از کشوری به کشور دیگر صورت پذیرفته، نمونه‌ای دیگر از تهدیدهای فراروی زنان در نتیجه گسترش پدیده جهانی شدن است (اسکلدون^۲، ۲۰۰۰: ۲-۱).

بی‌شک، افزایش سن ازدواج و تشدید روحیه فردگرایی از دیگر تهدیدهای فراروی زنان است که در تحقیق اورلف (۲۰۰۲: ۲) بدانها اشاره شده است.

1. Rosalinda
2. Skeldon

از تحقیقات دیگری که به آثار منفی جهانی شدن بر زنان پرداخته تحقیقات فریدمن^۱ است. وی جهانی شدن و تهدیدهای ناشی از آن را با در کنار هم قراردادن دو واژه لگزوس^۲، ماشین جدید و سریع و گران قیمت غربی که سمبول فرهنگ مصرف است و با سوخت ارزان قیمت رانده می شود، و درخت زیتون^۳، به عنوان سمبول علایق و وابستگی های باستانی و ریشه دار و سنتی، تفسیر می کند. مطابق نظریه فریدمن، جهانی شدن امری اجتناب ناپذیر^۴ است چرا که هر فردی تمایل دارد حداقل زندگی مادی راحتی داشته باشد. دستیابی به این زندگی مستلزم قطع تعداد قابل توجهی درخت زیتون است تا جاده مناسب برای حرکت ماشین غرب مهیا شود. از دیدگاه فریدمن، شاید تنها تعداد اندکی از کشورهای بتوانند درختان زیتون خود را حفظ کنند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که فاقد جاده مناسب هستند، و حتی در جایی که جاده مناسب نیز وجود داشته باشد، زنان اغلب با قوانین، آداب و رسوم و سنتها از راندن منع می شوند. حتی در جایی که این محدودیتها وجود ندارد، تنها تعداد کمی از زنان در سطح دنیا می توانند این ماشین را در اختیار داشته باشند. در این تحقیق، لگزوس به «غرب» و «مردان» و درختان زیتون به «کشورهای جهان سوم» و «زنان» تعبیر شده اند (استارک^۵، ۲۰۰۰: ۵).

تأثیرپذیری جامعه زنان ایران از جهانی شدن

نگارنده مقاله، ضمن پذیرش اجتناب ناپذیر بودن فرآیند جهانی شدن، معتقد است که تضاد و دوگانگی دوروی سکه آثار و پیامدهای جهانی شدن بر جامعه زنان است. تجربیات جهانی نشان می دهد که رشد همبسته بازارهای جهانی و توسعه روزافزون جهانی شدن هم در بروز و شیوع «مصیبت» فقر در نزد زنان و هم در «نجات»^۶ آنان مؤثر بوده است. لذا صدور حکمی قطعی به منزله رد یا تأیید نقش جهانی شدن در توسعه امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان امری مشکل و تا حدودی ناممکن است. با این حال، آثار مثبت (فرصتها) و منفی (تهدیدها) جهانی شدن بر زنان، که براساس شواهد و تجربیات جهانی به دقت بررسی شده، نشان می دهد که تهدیدهای فراروی زنان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که از سطح آموزش و دانش و آگاهی کمتری در مقایسه با کشورهای توسعه یافته برخوردارند، به مراتب عمق بیشتری دارد. تبیین دوکفه ترازوی آثار فرصتها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن بر زنان که در نمودار ۲ ترسیم شده نشان می دهد که کفه آثار منفی (تهدیدها) سنگین تر از کفه آثار مثبت (فرصتها) است. آثار و پیامدهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهانی شدن بر زنان کشور ما نیز نمی تواند از این

1. Friedman
2. Lexus
3. olive tree
4. inevitable
5. Stark
6. plight
7. salvation

آثار جهانی شدن بر زنان ۱۰۷

قاعده مستثنا باشد. نگاهی گذرا بر مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه زنان کشور ما نشان می‌دهد که، همانند اکثر کشورهای در حال توسعه، ویژگی‌های کارکردی زیر بر جامعه زنان کشور غلبه دارد:

(الف) زنان ما در کسب درآمد و ثروت به‌طور متوسط ضعیف‌تر از مردان هستند (تشکری، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

(ب) زنان ما، به دلیل تحرک جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی کمتر، در ایجاد فرصت و انتخاب با مشکلات بیشتری رو به رو می‌شوند (رویانیان، ۲۰۰۳: ۲-۱).

(ج) بخش عمده زنان کشور (۶۹/۲ درصد) خانه‌دارند و اصلی‌ترین وظیفه آنان تربیت کودکان و نگهداری از سالخوردگان است، لذا مسئولیت و فشار زندگی بیشتری را بر دوش می‌کشند (احمدی خراسانی، ۱۳۸۱: ۲۹، ۱۳۶).

(د) اکثریت زنان کشور به برنامه‌های رفاه اجتماعی وابسته‌اند؛ بنابراین، با حذف یا کاهش این برنامه‌ها، فشار بیشتری در مقایسه با مردان متحمل می‌شوند (رویانیان، ۲۰۰۳: ۲-۱).

(ه) سطح اشتغال زنان در کشور بسیار پایین است. با احتساب ۶۹/۲ درصد زنان خانه‌دار و ۱۶/۷ درصد دختران محصل تحت سرپرستی خانواده، در واقع، تنها حدود ۹ درصد زنان شاغل‌اند. بدین ترتیب، بیش از ۹۰ درصد از کل زنان کشور وابسته به خانواده‌اند و از نظر اقتصادی غیرمستقل محسوب می‌شوند (احمدی خراسانی، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

در خوشبینانه‌ترین آمارهای ارائه‌شده در خصوص اشتغال زنان، سهم آنان ۱۵ درصد از نیروی شاغل کشور اعلام شده که عمدتاً به صورت نیمه‌وقت و در مشاغل کم درآمد فعالیت می‌کنند (تشکری، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

همچنین اعداد و ارقام نشان می‌دهند که با وجود اینکه حدود ۶۰ درصد ورودی‌های دانشگاه را دختران تشکیل می‌دهند، درصد اندکی از آنان به بازار کار جذب شده‌اند. برای مثال، تنها ۳۰ درصد از دختران فارغ‌التحصیل رشته کار و دانش جذب بازار کار شده‌اند (جزنی، ۱۳۸۰: ۶۳).

(و) میزان بیکاری زنان همواره بیشتر از مردان گزارش شده است، به طوری که سهم زنان در جمعیت بیکار کشور دو برابر سهم آنان در کل اشتغال است. همچنین تنوع شغلی زنان در بخش‌های دولتی و نیز فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه بخش خدمات، بسیار محدود است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۹۹).

(ز) سطح دانش و مهارت‌های شغلی زنان کشور، به‌ویژه در بخش صنعت، پایین است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۹۹).

(ح) تعداد زنان کشور در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بسیار اندک است، به طوری که سهم زنان از مدیریت در سازمان‌های دولتی هنوز در حدود ۳ درصد باقی مانده است (تشکری، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

(ط) موارد مختلفی از اختلاف حقوق بین زن و مرد در قوانین کشور وجود دارد که موجب نابرابری حقوق زن و مرد می‌شود (کار، ۱۳۷۸: ۵۲). برای مثال، حقوق زنان کارگر بسیار کمتر از مردان کارگر

است (احمدی خراسانی و اردلان، ۱۳۸۱: ۱۵۴). زنان به طور معمول ۲۷ درصد کمتر از مردان حقوق دریافت می‌کنند (احمدی خراسانی، ۱۳۸۱: ۸۴).

- * رشد اشتغال غیررسمی
- * دستمزدهای اندک
- * خطر بالای بیکاری
- * انجام فعالیت‌های سخت و کاربر
- * کاهش امنیت غذایی

- * افزایش درآمد
- * افزایش میزان اشتغال
- * توسعه سرمایه اجتماعی
- * افزایش بهره‌وری
- * کاهش موالید



- * افزایش مهاجرت
- * توسعه تجارت جهانی سکس
- * محرومیت از مشارکت‌های سیاسی
- * کاهش حمایت‌های اجتماعی
- * نداشتن امنیت شغلی
- * کاهش نقش در تعلیم و تربیت کودکان
- * گسترش فرهنگ مصرف
- * افزایش سن ازدواج
- * افزایش روحیه فردگرایی

- * افزایش سطح آگاهی
- * افزایش حق انتخاب
- * بازاریابی تولیدات
- * کاهش نزاع‌های محلی
- * افزایش ظرفیت اخلاقی

نمودار ۲. ترازوی آثار مثبت (فرصت‌ها) و منفی (تهدیدها) جهانی شدن بر زنان

به نظر می‌رسد جامعه‌ای با چنین ویژگی‌های کارکردی، که کلیشه‌های رایج آن همچنان در خدمت نابرابری زن و مرد قرار دارد، در فرآیند جهانی شدن که ماهیت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دارد، آسیب پذیرتر است. با این حال نگارنده، در عین توجه به آثار مثبت و منفی جهانی شدن بر جامعه زنان کشور، معتقد است که این فرآیند می‌تواند فرصت‌های متعددی را نیز از ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای زنان کشور به وجود آورد. کمک به توسعه فرصت‌های شغلی به‌ویژه در بخش خدمات، افزایش سطح دانش و آگاهی سیاسی و فرهنگی، دسترسی به آزادی‌های مشروع سیاسی به‌ویژه در قالب توسعه تشکلهای غیردولتی، افزایش حق انتخاب، و برخورداری از فرصت‌های مناسب برای به فعلیت رساندن استعدادهای درونی نمونه‌هایی از آثار مثبت جهانی شدن بر جامعه زنان کشور است. لذا نگارنده

معتقد است که جهانی شدن نباید موجب تحمیل هزینه به بخش‌های ضعیف‌تر جامعه، از جمله زنان شود. بدین ترتیب، لازم است راهکارهای زیر، با توجه خاص به تجربیات جهانی در فرآیند جهانی شدن به منظور کاهش آثار منفی آن بر زنان، مورد توجه برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد (سن^۱، ۱۹۹۸: ۲؛ فدراسیون بین‌المللی زنان دانشگاهی^۲، ۲۰۰۰: ۱-۲):

- توانمندسازی زنان در جهت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

- تأکید بر حقوق انسانی زنان؛

- توسعه آموزش و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای؛

- حمایت از حقوق کارگران زن و امنیت شغلی آنان؛

- تأمین امنیت زنان در دسترسی به نیازهای پایه همچون بهداشت، غذا، پوشاک و درمان؛

- تأمین فرصت‌های برابر همچون آزادی بیان و دیگر آزادی‌های سیاسی.

بی‌تردید، دستیابی به اهداف فوق نیازمند پاره‌ای اقدامات نرم‌افزاری مرتبط با ساختار برنامه‌ریزی کشور است. تغییر نگرش به زن و نقش او در توسعه با در نظر گرفتن رویکرد «جنسیت و توسعه»^۳ به جای رویکرد «زنان در توسعه»^۴ سرآغاز تحول نرم‌افزاری در این بخش محسوب می‌شود که می‌تواند نقش بسزایی در کاهش چالش‌های فراروی جامعه زنان کشور به‌ویژه در فرآیند جهانی شدن داشته باشد (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۹۹).

منابع

- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۸۱) *زنان زیر سایه پدرخوانده‌ها*، تهران: نشر توسعه، ج ۴.
- احمدی خراسانی، نوشین و پروین اردلان (۱۳۸۱) فصل زنان. *مجموعه آرای دیدگاه‌های فمینیستی*، ج ۲، تهران: نشر توسعه.
- تشکری، زهرا (۱۳۸۱) *زن در نگاه روشنفکران*، انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- جزئی، نسرین (۱۳۸۰) *نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱) *توسعه و چالش‌های زنان در ایران*، تهران: نشر قطره.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۸) *رفع تبعیض از زنان، مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با قوانین داخلی ایران*، تهران: انتشارات پروین.

Akande, S.O. (2003) *Managing Vulnerability and Risks from Globalization and Trade*

1. Sen
2. IFUM
3. gender and development
4. women in development

- Liberalization, Nigeria.*
- Antweiler, W.** (2002) "Economic Globalization and its Consequences", available at strategy.sauder.ubc.ca/antweiler/apscu450/slides.pdf.
- Bloom, A.D.** (2002) *Globalization, Marginalization and Development: Globalization, Informalization, Criminalization and North-South Interaction*, London: Routledge.
- Friedheim, Ch. et al.** (1999), "Agriculture and Globalization: The Evolving Role of Agricultural Research", available at www.isnar.cgiar.org/publications/books/globalization.htm.
- Gudgen, S.P.** (2001) "Globalization and Rural Poverty Reduction", United Nations Department of Economic and Social Affairs.
- IFUM** (International Federation of University Women) (2000) "Humanizing Globalization: Empowering Women", available at www.ifum.org/saap2001/humanizing-global.pdf
- IMF** (International Monetary Fund) (1997) *World Economic Outlook*, Washington D.C.
- Katsiaouni, O. and J. Gorniak** (2001) "Globalization and Rural Poverty in Transition Economics", available at www.un.org/esa/socdev/poverty/paper-gorkat.pdf
- Killick, T.** (2000) "Economic Change and the Welfare of the Rural Poor", available at www.wye.ic.ac.uk/agecon/adv/research/projects/ifad/globifad1.pdf
- Kilmister, R.** (1997) *The Limits of Globalization: Globalization as an Emergent Concept*, London: Routledge.
- Mariano, R.V.** (2001) "The Impact of Globalization on the Rural Sector, KMP-Peasant Movement of the Philippines", available at www.publiceyendavos.ch/archiv/vm-28-01-01.htm
- Murshed, M.** (2002) *Globalization, Marginalization and Development: Perspective on Two Phases of Globalization*, London: Routledge.
- Nayyar, D.** (2001) *Globalization versus Development: Globalization, What Does it Mean for Development*, International Political Economy Series.
- Orloff, A.** (2002) *Women's Employment and Welfare Regimes, Globalization, Export Orientation and Social Policy in Europe and North America*, United Nations Research Institute for Social Development.
- Raymond, K.** (2002) "Corporate Globalization", available at zmagsite.zmag.org/oct2002/kerl002.html
- Razavi, Sh.** (2001) "Globalization, Employment and Women's Empowerment", available at www.un.org/womenwatch/daw/csw/empower/documents/razavi-BP.pdf
- Rosalinda, O.** (2001) "Effects of Globalization on the Women in the Informal Sector", available at www.workandskills.ch/downloads/glipo.pdf
- Royanian, S.** (2003) "Women and Globalization, Iran as a Case Study", available at www.endthewar.org/downloads/consprogram
- Sen, G.** (1998) "Globalization and its Challenges for Women in the South", available at attac.org.uk/attac/document/sen-globalization-women-south.pdf
- Shongwe, S.** (2002) "Globalization and Agriculture", available at www.sahims.net/doclibrary/opinion/swe-globalization-and-agriculture.doc
- Skeldon, R.** (2000) "The Migration of Women in the Context of Globalization in Asia and Pacific Region", available at www.unescap.org/wid/04widesources/05pub-report/series.pdf
- Sobhy, H.** (2003) "Women and Globalization", available at www.gdnet.org/pdf/fourth-annual-conference/parallels5/globalizationgender/sobhy-paper.pdf
- Stark, B.** (2000) "Women and Globalization: The Failure and Postmodern", available at law.vanderbilt.edu/journal/33-03/33-3-1.html
- Sumner, J.** (2000) "Challenges to Sustainability: The Impacts of Corporate of Globalization

- on Rural Communities”, available at
www.uoguelph.ca/~csext/cse%202-001%20archive/papers/jennifersummer.pdf
- Tandon, Y.** (1999) “Globalization and Africa's Options”, *Journal of Development Economics for Southern Africa* 1/485.
- The Globalization Website** (2003a) “Globalization Theories”, available at
www.emory.edu/soc/globalization/issues.html-uk-3apr2002
- The Globalization Website** (2003b) “An Introduction to Globalization, from the Women and the Economy”, available at www.emory.edu/soc/globalization/issues.html-uk-3apr2002
- The Globalization Website** (2003c) “Globalization Issues”, available at
www.emory.edu/soc/globalization/issues.html-uk-3apr2002
- Waters, M.** (1996) *Globalization*, London: Routledge.

مؤلف

مهدی طاهرخانی: عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس
پس الکترونیکی: mahdit@modares.ac.ir